

فصلنامه علمی تخصصی اسلام پژوهان  
سال نهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۱

## کاربرد نظریه اعتباریات علامه طباطبایی (ره) در علم اقتصاد: اعتبار پول و اعتبار منبع عمومی از پول

نورالله صالحی

### چکیده

تاریخ، تا به حال شاهد مکارم اخلاقی بس شگفت از اولیای الهی بوده است. ولی در دنیای امروز بحث اسوه پذیری از سبک زندگی اولیاء الهی، مواجه شده با مکاتب گوناگون فکری در دنیای مدرنیته و پست مدرن که در پی انسان محوری به جای خدا محوری هستند. علم ورزی نوین منابع معرفت را در تجربه خلاصه می کند و خود را محروم از منابع معرفتی یعنی وحی، عقل و شهود می کند. با این همه اسلام ناب با منابع معرفتی که در اختیار دارد در صدد است تا انسان ها را به سوی کمال مطلق و نور مطلق هدایت کند و در این مسیر از اصل اسوه پذیری و الگو پذیری غافل نبوده است و اسلام ناب با منابع معرفتی که در اختیار دارد در صدد است تا انسان هایی به عنوان اسوه و الگو معرفی شوند. در قرآن نیز انسان هایی به عنوان اسوه و الگو معرفی شده اند. اما آنچه به عنوان هدف مشخص در این نوشته دنبال می شود الگو بودن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان یک انسان معصوم و مورد انتخاب از طرف خداوند متعال است. پژوهش حاضر از نوع کتابخانه ای و با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است که اهمیت اسوه پذیری از سبک زندگی فاطمی اولین دستاور این پژوهش است که جهت گیری بحث را با دنیای مدرنیته مشخص می کند.

**واژه های کلیدی:** ارزش، پول، تشکیل منبع عمومی پول، عقد قرض الحسنه، نظریه اعتباریات، علامه طباطبایی.

## مقدمه

نظریه ادراکات اعتباری، نظریه‌ای در فلسفه اسلامی است که توسط علامه طباطبایی، در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم ارائه شده است. وی در این نظریه، دسته‌بندی کاملی از ادراکات اعتباری انسان را ارائه کرده و نحوه شکل‌گیری آنها را بیان می‌کند. این نظریه، در تفکیک احکام ثابت عقل از احکام متغیر آن است. البته چنین نیست که همه ادراکات اعتباری، الزاماً دگرگون شوند، بلکه برخی از این ادراکات، ثابت اند؛ از جمله عدل و ظلم. شهید آیت الله مرتضی مطهری، بحث ادراکات اعتباری طباطبائی را، مبحث فلسفی نو و بی‌سابقه می‌داند که برای اولین بار در سلسله مقالات کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم ارائه شده است. شهید مطهری درباره اهمیت این نظریه می‌نویسد:

تمیز و تفکیک ادراکات حقیقی از ادراکات اعتباری، بسیار لازم و ضروری و عدم تفکیک آنها از یکدیگر بسیار مضر و خطرناک است. و همین عدم تفکیک است که بسیاری از دانشمندان را از پا درآورده است که بعضی از اعتباریات را به حقایق قیاس کرده و با روشهای عقلانی مخصوص حقایق در اعتباریات سیر کرده‌اند و بعضی به عکس، نتیجه مطالعات خود را در مورد اعتباریات درباره حقایق تعمیم داده‌اند و حقایق را مانند اعتباریات مفاهیمی نسبی و متغیر و تابع احتیاجات طبیعی پنداشته‌اند.

ادراکات اعتباری در مقابل ادراکات حقیقی است. ادراکات حقیقی، انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس الامر است. اما ادراکات اعتباری، فرض‌هایی است که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آنها را ساخته و جنبه وضعی و قراردادی و فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس الامر سروکاری ندارد. ادراکات اعتباری برخلاف ادراکات حقیقی، تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط است و

با تغییر آنها تغییر می‌کند. علوم اعتباری، علمی است که رابطه میان انسان و حرکات فعلی اوست و انسان با اعمال قوای فعاله خود این علوم را تهیه می‌کند و از این رو، این علوم و ادراکات، مطابق خارج از توهم ما ندارند.

در این تحقیق قرار است نقش پول در علم اقتصاد با توجه به این دیدگاه مورد تحلیل قرار گیرد. با توجه به این که کالا (ارزش) در حیطه ادراکات حقیقی قرار دارد و پول در حیطه ادراکات اعتباری قرار دارد ما از این نظریه استفاده می‌نماییم.

با توجه به مطالب قبل، ریز موضوعات ۱- تبیین نظریه اعتباریات علامه طباطبایی (ره) ۲- تبیین اعتبار پول در علم اقتصاد: وسیله اندازه گرفتن ارزش ۳- تبیین اعتبار منبع عمومی از پول: وسیله حفظ ارزش پول در این تحقیق تبیین می‌شود:

### تبیین نظریه اعتباریات علامه طباطبایی (ره)

بررسی ماهیت ادراکات اعتباری و تفاوت‌های آن با ادراکات حقیقی موضوع جدیدی در معرفت‌شناسی اسلامی است که نخستین بار علامه طباطبایی آن را مطرح کرد. علامه طباطبایی، با تفکیک مفاهیم حقیقی از مفاهیم اعتباری، گام بزرگی در شناخت امور اعتباری و به تبع آن، علوم قراردادی برداشت و حوزه اعتباریات را به مباحث انسان‌شناسی، اخلاق، فقه، حقوق، و... گسترش داد که نتایج درخور توجهی از آن می‌توان استخراج کرد.

نخستین نکته‌ای که در بحث اجتماعات انسانی و ویژگی‌های آن لازم است، به آن توجه شود این است که، این اجتماعات چگونه به وجود آمده‌اند و چه عواملی در تکوین آن‌ها موثر بوده‌اند؟ آیا انسان از ابتدا به طور ناخودآگاه در اجتماع می‌زیست یا این که با گذشت زمان به این درک رسید، که باید اجتماعی تشکیل دهد و بعد از آن از روی فکر و اندیشه، برای ایجاد آن برنامه ریزی کرد؟



با مراجعه به اندیشه‌های علامه، به منظور جواب به سوالات فوق، معلوم می‌گردد از نظر وی:

انسان در میان تمامی جانداران، موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب احتیاج به بحث زیاد ندارد. چرا که فطرت تمامی افراد چنین است. یعنی فطرت تمام انسان‌ها این را درک می‌کند و تا آن جا هم که تاریخ، نشان می‌دهد هر جا بشر بوده، اجتماعی زندگی می‌کرده، آثار باستانی هم این مطلب را ثابت می‌کند. قرآن کریم هم با بهترین بیان، در آیات بسیاری از این حقیقت خبر داده است (علامه طباطبایی؛ ۱۳۸۶ ج ۴، ص ۱۴۴).

بنا بر این ویژگی اجتماعی بودن، هرگز از انسان جدا نبوده است. با این حال وی از ابتدا، توجه آگاهانه و گسترده‌ای به این امر نداشته است، بلکه به مقتضای سایر ویژگی‌هایش و تحت تاثیر عوامل وراثتی و محیطی به تشکیل اجتماع روی آورده و این نوع زندگی را اختیار نموده است، بدون آن که توجه مستقلی به اجتماع داشته باشد، ان را مورد بحث و عمل قرار دهد. حال باید دید کدام ویژگی در انسان وجود دارد، که او را به سمت اجتماع سوق می‌دهد، چنان که حتی فرصتی برای فکر، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای او باقی نمی‌گذارد. با نگاهی به آثار علامه می‌توان، این ویژگی را در گزینه‌ی استفاده خلاصه کرد. انسان بر حسب طبیعت خود، برای بقای حیاتش به نحو ممکن از موجودات دیگر به نفع خود استفاده می‌کند. لذا هر چیزی را که در مسیر کمالش موثر باشد، استخدام و از آن بهره‌کشی می‌کند. حتی اگر بتواند هم نوعانش را، به خدمت خویش در می‌آورد و در هستی و کارشان تصرف می‌نماید. در این جا مشکلی که هست، این است که گزینه‌ی استخدام و تمایل به بهره‌گیری از هم نوعان در سایر انسان‌ها وجود دارد. در نتیجه برخورد و تضاد منافع به وجود می‌آید. به منظور رفع این تضاد، افراد باید از در مسالمت با یکدیگر درآیند برای دیگران

حقوقی مشابه خود قایل شوند. یعنی هر فرد به همان نحو که طالب بهره‌کشی از دیگران است، اجازه دهد به همان نحو دیگران، از وی استفاده نمایند. در نتیجه‌ی این امر اجتماع تعاونی و مدنی به وجود می‌آید (علامه طباطبایی ۱۳۸۶، ج ۲ ص ۱۷۵ و ج ۱۶ ص ۲۸۶).

علامه طباطبایی در آثار متعددی، در مورد اعتباریات بحث نموده است. ایشان معتقد است عدالت از امور اعتباری است و همه‌ی معانی‌ای که در محیط اجتماع بشری مربوط به اعمال انسانی است بر همین قیاس می‌باشد. به اعتقاد وی، اعتباریات دو دسته اند:

الف) اعتباریاتی که جوامع مختلف در آن اختلاف دارند، مثل آداب و رسوم.  
ب) اعتباریاتی که جوامع مختلف در آن اختلاف ندارند، مثل وجوب تشکیل اجتماع و خوبی عدالت و بدی ظلم.

از دیدگاه ایشان، اعتباریات نیز اعتماد بر خارج دارند، ولی مستقیماً منطبق بر خارج نیستند. علامه در جلد هشتم تفسیر المیزان، عدالت را از امور اعتباری دانسته و نحوه‌ی به وجود آمدن آن را این گونه بیان می‌دارد: علوم و تصدیقاتی که آدمیان دارند بر دو قسم است: قسم نخست، تصدیقاتی هستند که واقع را نشان داده و صرف نظر از وجود یا عدم ما انسان‌ها، با خارج انطباق دارند. نظیر تصدیق زوجیت چهار و موجود بودن عالم و علوی از این قبیل و قسم دوم آن دسته از علوم و قضایای عملی، اعتباری و قراردادی هستند که انسان‌ها آن‌ها را برای امور زندگی و البته با اتکا و اعتماد بر واقعیات، وضع و جعل می‌کنند. این علوم، بر خلاف دسته‌ی اول که خارجیت دارند و ذاتاً و حقیقتاً بر واقع تطبیق می‌شوند، ترتیب اثر ذاتی ندارند و بلکه اعتباری و قراردادی هستند.

یکی دیگر از آثار علامه که در آن به شکل مبسوطی به بحث اعتباریات و از جمله عدالت اشاره کرده، کتاب ارزشمند، اصول فلسفه و روش رئالیسم است.



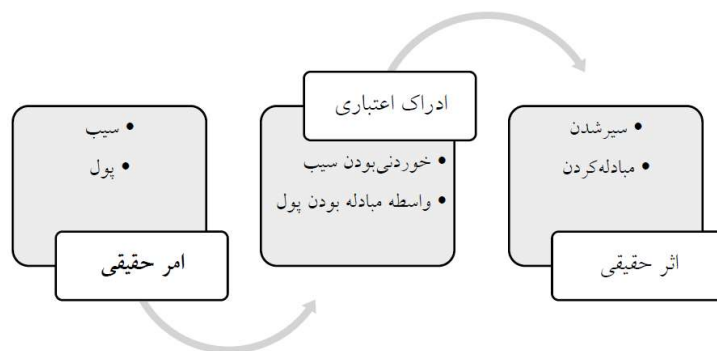
ایشان در مقاله ششم این اثر، ضمن تعریف اعتباریات، آن را وهمی دانسته، اما معتقد است که هریک از معانی وهمی، روی حقیقتی استوار است، یعنی مفاهیم اعتباری از مفاهیم حقیقی، اخذ و اقتباس شده اند و ما فرض و اعتبار مطلق (گسسته از حقیقت) نداریم.

از نظر علامه، اصل استخدام مقدم بر اصل اجتماع و از اعتباریات قبل از اجتماع است.

تعریف مرحوم علامه از عمل اعتبار کردن به این قرار است: «با عامل‌های حسی حد چیزی را به چیز دیگری بدهیم به منظور ترتیب آثاری که ارتباط با عامل‌های احساسی خود دارند» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۱). وقتی یک امر حقیقی داریم و یک اثر حقیقی، اعتبار بین این دو قرار دارد؛ به طور مثال، سیب، امری حقیقی است و خوردنی بودن سیب اعتباری و سیری یا لذتی که در اثر خوردن سیب پدید می‌آید اثر حقیقی قلمداد می‌شود (اولیایی، ۱۳۸۹، ص ۹۸). علامه در آثار دیگر خود نیز به موضوع اعتباریات پرداخته‌اند (ر.ک به: رساله فی الاعباریات الأفكار التي یخلقها الانسان و حاشیه الکفایه).

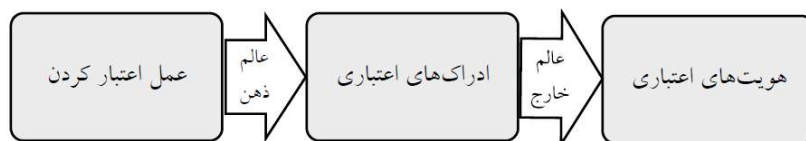
به تناسب موضوع در زمینه پول می‌توان گفت: پول به عنوان یک جسم - فلزی یا کاغذی - امری حقیقی، واسطه مبادله بودن آن اعتباری و رفع نیاز مبادله و معامله که به وسیله آن صورت می‌پذیرد، اثر حقیقی است. پول پیش از آنکه بخواهد به واسطه با ارزش بودن یا نبودنش با کالاها و خدمات مبادله شود، به این علت که معادل ارزش اسمی خود برطرف کننده نیازهای حقیقی انسان است، انسانها ارزش را بر آن اعتبار کرده‌اند (سبحانی و همکاران ۱۳۹۵).

## اعتبار پول و اعتبار منبع عمومی از پول



شکل ۱: چستی اعتباریات و نقش آن در زندگی (منبع: سبحانی و همکاران ۱۳۹۵)

اعتباریات در ذهن انسان به صورت ادراک‌های اعتباری ظاهر می‌شود. ادراک‌های اعتباری، فرض‌هایی است که ذهن به منظور رفع احتیاج‌های حیاتی، آنها را ساخته و جنبه وضعی، قراردادی و فرضی دارد و با واقع و نفس الامر سرو کاری ندارد» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۸). ادراک‌های اعتباری در عالم خارج هویت‌های اعتباری را پدید می‌آورد. این هویت‌های اعتباری وجود خارجی ندارند؛ اما از واقعیت خارجی منفصل نیستند؛ به طور مثال در عالم خارج چیزی به عنوان پول، وجود خارجی ندارد؛ اما این هویت اعتباری در اتصال با ماده که همان تکه کاغذ یا یک فلز است، پدید آمده است (اولیایی، ۱۳۸۹، ص ۹۹).



شکل ۲: پدید آمدن ایجاد هویت‌های اعتباری (منبع: سبحانی و همکاران: ۱۳۹۵)

اعتباریات نقش حیاتی در زندگی انسان ایفا می‌کند و این نقش آن قدر برجسته و گسترده است که انسان‌ها گاه از وجود آن غافل می‌شوند. به تعبیر مرحوم علامه، انسان بدون اعتبار مانند ماهی بدون آب است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۴۷). هویت فردی و اجتماعی انسان با سازوکار اعتبارسازی شکل می‌گیرد و

تکامل می‌یابد. همانگونه که آب لازمه تحرک و رشد ماهی است، اعتباریات نیز شرط حیات و تکامل انسان می‌باشد و اساسا هیچ فعل آردی انسان بدون اعتباریات تحقق نمی‌یابد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۱).

### ادراک‌های اعتباری در برابر ادراک‌های حقیقی

ادراک‌های اعتباری در برابر ادراک‌های حقیقی تعریف می‌شود و بیان تفاوت‌های این دو می‌تواند در درک بهتر مفهوم ادراک‌های اعتباری اثرگذار باشد. (شهید مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۷۱) در بیان این تفاوت به نکات ارزنده‌ای اشاره می‌کند که خلاصه آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: ادراک‌های حقیقی در برابر ادراک‌های اعتباری

ادراک‌های اعتباری	ادراک‌های حقیقی
جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد.	انکشافها و انعکاس‌های ذهنی واقع و نفس‌الامر است.
ارزش منطقی ندارد.	ارزش منطقی دارد.*
تابع احتیاج‌های حیاتی و عامل‌های ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند.	تابع احتیاج‌های طبیعی موجود زنده و عامل‌های ویژه محیط زندگانی وی نیست و با تغییر احتیاج‌های طبیعی و عامل‌های محیط تغییر نمی‌کند.
یک سیر تکاملی، نشوء و ارتقا را طی می‌کند.	قابل تطور، نشوء و ارتقا نیست.
نسبی، موقت و غیرضروری است.	مطلق، دائم و ضروری است.

تمایز ادراک‌های حقیقی از ادراک‌های اعتباری ضروری و عدم تفکیک آنها از یکدیگر مضر و خطرناک است. همین عدم تفکیک است که بسیاری از اندیشه‌وران را از پا در آورده است که بعضی اعتباریات را با حقیقت‌ها قیاس کرده و با روش‌های عقلایی مخصوص حقایق در اعتباریات سیر کرده‌اند و برخی به عکس، نتیجه مطالعه‌های خود را درباره اعتباریات در رابطه با حقایق تعمیم داده‌اند و حقایق را مانند اعتباریات مفهوم‌های نسبی و متغیر و تابع احتیاج‌های طبیعی پنداشته‌اند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۷۲). در مثال پول، مصداق خارجی آن اعم از





فلز یا کاغذ ادراک حقیقی است؛ اما مفهوم پول به عنوان واسطه مبادله مورد قبول جامعه، ادراک اعتباری است (سبحانی و همکاران ۱۳۹۵).

### اعتباریات پیش از اجتماع در برابر اعتباریات پس از اجتماع

تقسیم بندی‌های متنوعی از انواع اعتباریات ارائه شده است که به تناسب بحث مقاله پیش رو، تقسیم بندی اعتباریات با رویکرد جامعه شناختی ارائه می‌شود. علامه طباطبایی به اعتبارات را بر اساس وابستگی یا عدم وابستگی به اجتماع به دو گروه تقسیم می‌کند. اعتباریات پیش از اجتماع که عبارت هستند از وجوب، حسن و قبح، انتخاب اخفه و اسهل، استخدام و اجتماع و متابعت علم و همچنین اعتباریات پس از اجتماع که شامل اصل ملک، کلام و سخن، ریاست و مرئوسیت و لوازم آنها و اعتباریات درباره تساوی طرفین می‌شود. در ذیل تبیین مختصری از هر یک از اعتباریات اعم از پیش از اجتماع یا پس از اجتماع ارائه می‌شود.

### اعتباریات پیش از اجتماع

۱. اعتبار وجوب: به باور علامه، انسان قوه‌های فعاله خود را نخستین بار برای ساختن نسبت ضرورت و وجوب میان خود و فعلی که انجام می‌دهد، به کار می‌گیرد. فاعل به هنگام انجام هر فعلی به وجوب آن باور دارد؛ اگرچه بعد از انجام عمل ممکن است این وجوب را منکر شود. این اعتبار نخستین اعتباری است که انسان انجام می‌دهد، همچنین در تمام افعال انسانی وجود دارد؛ بنابر این عمومی است (خسروشاهی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹).

۲. اعتبار حسن و قبح: اعتبار دیگری که می‌توان گفت زاینده بلافصل اعتبار وجود عام می‌باشد اعتبار حسن و قبح است که انسان پیش از اجتماع نیز به اضطرار آنها را اعتبار خواهد کرد (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱). انسان در رویارویی با دنیای اطراف خود واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهد که می‌توان آنها را در دو



دسته کلی خوب و بد جای داد. ما از دیدن منظره زیبا خوب و از دیدن منظره زشت بد را اعتبار می‌کنیم.

۳. اعتبار انتخاب اخف و اسهل: اعتبار سوم پیش از اجتماع، انتخاب اخف و اسهل است؛ یعنی انسان پیوسته می‌خواهد با سرمایه کم، سود بسیار برد و با کوشش سبک تر، کاری سنگین تر انجام دهد (همان، ص ۴۳۳).

۴. اعتبار استخدام و اجتماع: اعتبار استخدام و اجتماع به صورت فردی در انسان وجود دارد. وی از هر پدیده مادی برای حفظ بقای خود استفاده می‌کند. از نظر علامه الله اجتماع نیز به همین علت شکل می‌گیرد و به تعبیری اجتماع تعاونی است که احتیاجهای همه با همه تأمین می‌شود (همان، ص ۴۳). وی پاسخی نیز به پرسش مقدر درباره شباهت این اعتبار با مفهوم بهره‌کشی و استثمار دارند و این دو را از هم متمایز می‌کنند.

۵. اصل متابعت علم: انسان در رویارویی با اشیا، چهار حالت نفسانی یعنی علم، ظن، شک و وهم دارد که فقط در علم ادراک متزلزل نیست؛ بنابراین ادراک علمی برابر با واقعیت خارج می‌شود و علم، اعتبار واقعیت می‌یابد. از نظر علامه ی انسان به حسب فطرت و غریزه، رئالیست و واقع بین است (طباطبایی، ۱۳۹۷، مقاله دوم و سوم)؛ بنابراین اگر به وجود چیزی علم داشته باشد تا علم به بطلان وجود وی نرسانیده، علم نخستین را معتبر می‌دارد.

#### اعتباریات پس از اجتماع

۱. اصل ملک: اصل ملک ریشه در اصل اختصاص دارد. در حقیقت، اصل ملک پس از شکل‌گیری اجتماع، همان اصل استخدام پیش از اجتماع است که به صورت‌های گوناگون مانند زوجیت، دوستی، همسایگی، پدر و فرزندی و ... ظاهر شده است.

در توضیح این اصل است که علامه اعتبار پول را مطرح می‌کند:

در مرتبه تالی این اعتبار، به واسطه احتیاج‌هایی که هر یک از افراد اجتماع به مواد مصرفی و بالخصوص ملکی غیر پیدا کرده اند، به اضطرار اعتبار «تبدیل» پیش آمده... و به واسطه اعتبار مبادله» تقسیم‌های تازه‌ای به واسطه اختلاف‌های نوعی مالک و اختلاف نوعی اعیان مملوکه پیش آمده که خاستگاه اعتبار سلسله موضوع‌های اعتباری دامنه دار از معاملات گوناگون و وضع احکام گوناگون برای آنها شده است؛ در نتیجه عدم تعادل نسبی میان موارد مورد مبادله، احتیاج به اعتبار پول پیش آمده که یکی از مواد مورد رغبت را واحد مقیاس برای سنجش دیگر مواد مورد حاجت قرار دهند؛ البته این اعتبار نیز یک سلسله اعتبارهای فرعی مربوطه را ایجاب می‌کند که دستگاه وضع پول طلا و نقره و اسکناس و چک و اوراق دیگر بهادار و اعتبار و ... با احکام و آثار خود نماینده آنها هستند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۴۴۵ - ۴۴۶)

۲. اصل کلام: علامه باور دارد که نیازمندی به ساختن سخن و وضع لفظ دلالت کننده از چیزهایی است که انسان در نخستین مرحله اجتماع پی به آن می‌برد؛ زیرا هر اجتماع کوچک یا بزرگ احتیاج افراد خود را به فهمیدن مقاصد و منویات همدیگر تثبیت می‌کند (همان، ص ۴۴۶)

۳. اصل ریاست: در جوامع ابتدایی افراد قویتر بر دیگران مسلط بودند و اراده خود را به آنان تحمیل می‌کردند؛ یعنی وجود فعال خود را بزرگتر و وسیع تر می‌ساخته و در میان افراد پراکنده، نسبتی پیدا کرده‌اند که نسبت روان به تن یا به عبارت ساده تر نسبت سر به بدن است؛ در نتیجه این اعتبار، لوازم طبیعی حقیقت این نسبت مانند فرمانروایی جامعه و انقیاد دسته جمعی و انقیادهای فردی و سلسله مقررات، رسوم و آداب که مقام رئیس را نشان داده و مظاهر احترام و تعظیم وی می‌باشد، اعتبار شده است (همان، ص ۴۴۸).



۴. اصل تساوی طرفین: اگر بپذیریم که اصل ریاست حکایت از موقعیت برتر دارد، اصل تساوی طرفین به موقعیت تساوی و تعادل اشاره می‌کند. اصل تساوی طرفین در اقسام مبادله‌ها، ارتباطها و حقوق متعادل اجتماعی صادق است (همان، ص ۶۵۱). اصول زیربنایی اعتباریات اعتباریات مبانی منطقی و دینی مشخصی دارد. اعتباریات از یک سو بر اصل استخدام مبتنی است که خود اصل استخدام از اصل دیگری یعنی علت و معلولیت حکایت دارد که همگی بر پایه فطرت انسانی معنا می‌یابند.

شکل ۳: اصول زیربنایی اعتباریات



همان طور که توضیح داده شد، انسان مطابق گزینه فطری و میل طبیعی همواره می‌خواهد از قوه‌های دیگران به نفع خود استفاده کند که این به اصل استخدام می‌انجامد؛ بنابراین می‌توان اعتباریات را نیز وسیله‌ای دانست که انسان از آن برای بهره‌گیری و استخدام استفاده می‌کند. اصل استخدام خود بر پایه اصل علت و معلولیت است. رابطه بین علت و معلول، رابطه‌ای حقیقی در عالم است که انسان از آن در فرایند اعتبارسازی استفاده می‌کند: «... البته تمام اینها مستوره و نمایش دهنده سازمان حقیقی علت و معلولیت است که حتی در اندیشه‌های اعتباری خودنمایی می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۲۲۹).

**تبیین اعتبار پول در علم اقتصاد (کالا: ادراک حقیقی و پول: ادراک اعتباری): وسیلهٔ اندازه‌گرفتن ارزش**

همان طور که در توضیح اصل ملک آمد، پول محصول فرایند زیر است:

شکل ۴: فرایند اعتبار پول با استفاده از اصول اعتباری



أصل اختصاص پیش از اجتماع، به اصل ملک پس از اجتماع تغییر می‌یابد؛ سپس انسان به علت تنوع نیازها، تبدیل را در آنچه که دارد، اعتبار می‌کند و از آنجا که دیگری نیز به چنین اعتباری رسیده است، مبادله به صورت بین‌الذلهانی اعتبار می‌شود؛ اما از آنجا که لزوم تعادلی بین نیازهای دو طرف وجود ندارد پول به عنوان واسطه مبادله اعتبار می‌شود.

بنابراین مفهوم پول کالایی شکل گرفت که در آن کالاهایی که بیشتر خواهان داشتند، افزون بر داشتن خاصیت کالایی، جنبه واحد و معیار سنجش را نیز پیدا کردند. با انتخاب واحد ارزش هر چند عمل مبادله نسبت به پیش تسهیل شد اما دشواری‌های اساسی مبادله همچنان باقی ماند؛ زیرا پولهای کالایی با گذشت زمان فاسد می‌شدند و نگهداری آنها نیز نیازمند مکان وسیعی بود. این دشواریها بشر را بر آن داشت که در جست و جوی چیزی به عنوان واحد ارزش باشد که ضمن داشتن حجم کم، واجد ارزش باشد و سرانجام فلزات به ویژه طلا و نقره که چنین خواصی دارند به عنوان وسیله مبادله انتخاب شدند (قدیری اصلی، ۱۳۷۸، ص ۸-۷).

پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس الامر سرو کاری ندارد و همچنین پول ارزش منطقی ندارد؛ بنابراین نمی‌توان آن را به صورت یک کالا در نظر گرفت و بازاری برای عرضه و تقاضای آن پدید آورد. کالا نبودن پول به معنای فیزیکی نبودن آن نیست بلکه به این معناست که پول چه در شکل فیزیکی و چه به عنوان پول اعتباری، به منظور مصرف در جامعه تولید نمی‌شود. همچنین کالا به خودی خود ارزش دارد و در صورت برقرار نبودن روابط اجتماعی قابل مصرف است؛ اما پول فقط در چارچوب جامعه و روابط اجتماعی حاکم بر آن ارزشمند بوده و واسطه‌گری می‌کند. به عبارتی پول از جمله مفاهیم حقوقی است که در علم اقتصاد وارد شده است.



اولین نکته با توجه به تعریف کالا که بیان شد می‌توان اذعان نمود که پول کالانیست. چون پول جز مفاهیم حقیقی نیست. بلکه در حیطه ی ادراکات اعتباری قرار دارد. که در قسمت قبل توضیح داده شد. حال می‌توان در ابتدا ارزش مصرفی پول را به صورت زیر تعریف نمود:

ارزش مصرفی پول: یک وسیله ی اندازه گیری ارزش مبادله‌ای است به طوری که خودش قرارداد اجتماعی و تابع قانون می‌باشد. به طوری که لازم است برای پول حقوق تعریف شود. زیرا پول در حیطه ی مفاهیم حقوقی قرار دارد. با توجه به این که ارزش مصرفی پول قرار دادی است می‌توان اذعان نمود که ارزش اقتصادی و یا ارزش بازاری (مبادله ای) پول صفر است. در نتیجه در علم اقتصاد پول فقط و فقط ارزش حقوقی دارد. اما کالاها در اقتصاد ارزش بازاری دارند. به عبارتی کالاها ارزش حقیقی دارند و پول ارزش حقوقی دارد. فهم این موضوع نتایج گسترده‌ای به دنبال دارد. پول در علم اقتصاد برای فرایند مبادله طراحی شده است. مبادله یعنی انتقال همزمان دو ارزش (مبادله ی کالا به کالا). اما با وجود پول مبادله به فرایند مبادله تبدیل می‌شود. توجه به مبادله و فرایند مبادله در بحث بسیار مهم است. زیرا در فرایند مبادله با وجود پول فقط یک ارزش انتقال می‌یابد. برای تبیین بهتر این موضوع لازم است به مقدمات زیر توجه شود. اصول علم اقتصاد بر پایه ۴ نظریه می‌باشد: ۱- نظریه عمومی کالا ۲- نظریه ارزش ۳- نظریه مبادله ۴- نظریه قیمت.

در نتیجه لازم است ۴ بار اندازه گیری نمود: ۱- اندازه گیری کالا ۲- اندازه گیری ارزش ۳- اندازه گیری قیمت ۴- اندازه گیری مبادله.

#### اندازه گیری کالا

اندازه گیری کالا به شرح زیر می‌باشد:

کالا چیزی است که دارای ارزش است. البته منظور از ارزش، ارزش مبادله‌ای است.

### اندازه گیری ارزش (مبادله‌ای)

اندازه گیری ارزش به صورت زیر می‌باشد: آگاهی نسبت به کالا. (دقت شود مفهوم آگاهی در جهت ورود نقش ناظر اضافه می‌گردد. نکته عمیق و دقیقی است).

### اندازه گیری قیمت

حال اندازه گیری قیمت به صورت زیر تبیین می‌شود: اندازه گیری قیمت بدین صورت است: قیمت: مقدار ارزش مبادله‌ای کالای اقتصادی.

به عبارتی قیمت، همان مقدار ارزش اندازه گیری شده است. در اینجا وسیله ی که مقدار ارزش مبادله‌ای را اندازه گیری می‌نماید همان پول است. به عبارتی پول نقش وسیله اندازه گیری ارزش مبادله‌ای را بازی می‌کند. یعنی پول چیزی جز وسیله ی اندازه گیری مقدار ارزش مبادله‌ای نیست. در اینجا پول فقط و فقط ارزش مصرفی دارد. یعنی برای تولید پول هیچ حرکتی به کار نرفته است. یک قرار داد اجتماعی است. که ارزش مبادله‌ای ندارد. اما منشا حقیقی دارد. در نتیجه ارزش زمانی پول صفر است. چون مقدار حرکت به کار رفته در تولید آن صفر است. در نتیجه ارزش مبادله‌ای پول صفر است.

### اندازه گیری مبادله

حال اندازه گیری مبادله به صورت زیر تبیین می‌شود:

اندازه گیری مبادله: وضعیتی است که در آن عاملین اقتصادی، به تبادل ارزش مبادله‌ای با یکدیگر می‌پردازند.

حال تعادل مبادله، که یک تعادل عادلانه است به صورت زیر تعریف می‌شود:

وضعیتی است که در آن یک عامل اقتصادی، مقدار ارزش مبادله‌ای که از دست می‌دهد با مقدار ارزش مبادله‌ای که به دست می‌آورد برابر است.



نکته بسیار لازم و حیاتی که لازم است به آن توجه نمود نقش پول در فرایند مبادله است. با تعریف پول در فرایند مبادله خود پول مبادله نمی‌شود (پول شخص حقوقی است). بلکه وسیله مبادله است. یعنی پول وظیفه انتقال ارزش را برعهده دارد. پول نقش وسیله اندازه گیری ارزش را دارد. به عبارتی پول مبادله نمی‌شود. زیرا مبادله به معنی انتقال همزمان دو ارزش مبادله‌ای است. با وجود پول فقط و فقط یک ارزش انتقال پیدا می‌نماید. فهم این نکته که پول مبادله نمی‌شود بلکه وسیله اندازه گیری ارزش می‌باشد بسیار مهم می‌باشد. یعنی پول در اینجا نقش شخص حقوقی را بازی می‌کند.

۴۴

لازم به ذکر است وسیله ی انتقال ارزش در فرایند مبادله آگاهی است. یعنی: آگاهی عاملین اقتصادی، نسبت به این موضوع که مقدار ارزش مبادله‌ای که از دست می‌دهند با مقدار ارزش مبادله‌ای که به دست می‌آورند برابر است.

در نتیجه وسیله انتقال ارزش (آگاهی) از وسیله اندازه گیری ارزش (پول) متفاوت است. تمایز بین این دو وسیله بسیار مهم است. به عبارتی در فرایند مبادله به خاطر وجود دو انسان نیازمند دو وسیله ی اندازه گیری نیاز است. کلید مبادله دقیق و صحیح در توجه به این نکته است. زیرا هر دو عامل اقتصادی در فرایند مبادله اندازه گیری می‌کنند.

از نگاه سیستمی پول کالانیست. بر خلاف اقتصاد متعارف که پول را کالا در نظر می‌گیرد. از نگاه سیستمی پول ارزش مبادله‌ای ندارد. یعنی قیمت ندارد. چون کالای اقتصادی نیست. به عبارتی پول شخص حقوقی است.

نکته علمی و دقیق این است برای این که اندازه گیری دقیق و صحیح و خالی از خطا باشد لازم و واجب است که:

برای خود پول هیچ حرکتی به کار نرفته باشد. یعنی خود پول ارزش مبادله‌ای نداشته باشد. یعنی کالا را نمی‌توان به عنوان پول در نظر گفت. به



عبارتی دیگر پول کالا نیست. در صورتی که به پول به عنوان کالا نگریسته شود دچار خطای اندازه گیری شده‌ایم که نمود آن ظهور تورم در علم اقتصاد است. در نتیجه ارزش مصرفی پول (قدرت خرید) دچار تغییر می‌گردد. به صورت خلاصه می‌توان فرایند مبادله‌ی دقیق و صحیح را در علم اقتصاد به صورت زیر خلاصه نمود:

۱- وجود عاملین اقتصادی به عنوان شخص حقیقی ۲- وجود نهاد پول به عنوان شخص حقوقی ۳- وجود کالاها.

به عبارتی پول در اینجا نقش شخص حقوقی را در فرایند مبادله بازی می‌کند. به طوری که خود نهاد پول کالا نیست. ارزش مبادله‌ای ندارد.

### **تبیین اعتبار منبع عمومی از پول: وسیله حفظ ارزش پول**

نکته ظریف پول در علم اقتصاد، حفظ ارزش پول در طی زمان است. یعنی در فرایند مبادله در علم اقتصاد لازم است علاوه بر این که پول به عنوان وسیله‌ی اندازه گرفتن ارزش اعتبار می‌شود، وسیله دیگری نیز برای حفظ ارزش پول نیز اعتبار نمود. به طوری که وسیله حفظ ارزش پول، تشکیل منبع عمومی از پول برای تمامی عاملین اقتصادی است. یعنی مالکیت این منبع، عمومی است. در نتیجه عمل تامین پول از این منبع به صورت عقد قرض الحسنه است. به عبارتی برای یک مبادله صحیح و دقیق در علم اقتصاد لازم است دو چیز را به صورت همزمان اعتبار نمود: ۱- اعتبار پول ۲- اعتبار منبع عمومی از پول. به طوری که اعتبار اول ارزش را اندازه می‌گیرد و اعتبار دوم ارزش را در طول زمان حفظ می‌نماید. در ادبیات اقتصاد پولی تا به این لحظه وسیله‌ی دوم اعتبار نشده است. در علم اقتصاد، وظایفی به شرح زیر برای پول در نظر گرفته می‌شود: ۱- وسیله محاسبه ۲- وسیله مبادله ۳- وسیله ذخیره ارزش.

خطای این تحلیل این است که هر سه وظیفه را به پول نسبت می‌دهند. توجه شود با ورود پول در علم اقتصاد فرایند مبادله به فرایند اندازه گرفتن و



فرایند اندازه گیری ارزش تغییر می‌کند. در صورتی که پول فقط و فقط یک وظیفه را برعهده دارد، یعنی وسیله محاسبه و اندازه گرفتن ارزش. به عبارتی، وسیله مبادله، پول نیست. وسیله ذخیره ارزش، پول نیست. وسیله مبادله، واحد پولی است (وسیله ذخیره ارزش). یعنی واحد پولی قرار است این آگاهی را به عاملین اقتصادی بدهد که ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شود. همچنین نکته ظریف دیگری که در ارتباط با ذخیره ارزش لازم است به آن توجه نمود منظور از کلمه ذخیره ارزش، حفظ ارزشی است که با پول اندازه گرفته شده است. در نتیجه خود پول دیگر نمی‌تواند ارزشی را که با اندازه گرفته است حفظ نماید. نیاز به ابزار دیگری است. ابزار حفظ ارزش پول، تشکیل منبع عمومی از پول است. به طوری که مالکیت این منبع عمومی از پول متعلق به تمامی عاملین اقتصادی است. به طوری که عمل تامین پول از این منبع به صورت عقد قرض الحسنه است. به عبارتی برای پول بازار تشکیل نمی‌گردد. در نتیجه ارزش پول در طی زمان حفظ می‌شود. به عبارتی زمانی که پول را در اقتصاد اعتبار می‌نماییم، لازم و واجب است به همراه اعتبار آن، یک منبع عمومی از پول تشکیل داد. در نتیجه لازم است در ادبیات اقتصاد پولی وظایف اشاره شده فوق از پول به شکل زیر تغییر نماید:

وسیله محاسبه و اندازه گرفتن ارزش: پول

وسیله مبادله ارزش: واحد پولی: وسیله ی ذخیره ارزش

وسیله ذخیره (حفظ ارزش): تشکیل منبع عمومی از پول

البته لازم به ذکر است که واحد پولی از تشکیل منبع عمومی حاصل

می‌گردد. به طوری که واحد پولی همان قدرت خرید پول است.

به عبارتی با تشکیل منبع عمومی از پول عاملین اقتصادی مواجهه با دو نوع پول هستند. برای تبیین دقیق این دو نوع پول لازم است که ابتدا تعریف هر کدام را مشخص نمود.

۱- پول خصوصی: پولی که مالکیت آن خصوصی است. به عبارتی این پول ناشی از کارکردن عاملین اقتصادی در فرایند نظام بازار است. در نتیجه پول به عنوان دارایی عمل می‌کند.

۲- پول عمومی: پولی که مالکیت آن عمومی است. به عبارتی این پول ناشی از تامین به صورت عقد قرض الحسنه از منبع عمومی است. در نتیجه به صورت بدهی عمل می‌کند.

در نتیجه وجود منبع عمومی از پول سبب ایجاد دو نوع پول برای عاملین اقتصادی در طی زمان می‌شود. البته پول موجود در منبع عمومی بر مبنای اصل تعاون برای تمامی نسل هاست. در سیستم تعاون منافع جامعه اهمیت دارد اما در سیستم رقابت منافع فردی و گروهی. در نظام رقابت، پول برای عاملین اقتصادی به عنوان دارایی عمل می‌کند. به طوری که مالکیت پول ناشی از فرایند بازار برای عاملین اقتصادی خصوصی است. اما عاملین اقتصادی در فرایند مبادله نیاز به تامین مالی پول دارند. در این جا برای حفظ ارزش پول لازم است که یک منبع عمومی از پول تشکیل داد به طوری که مالکیت این منبع عمومی است و متعلق به تمامی عاملین اقتصادی در طی زمان است. به عبارتی عاملین اقتصادی در این حالت بر مبنای اصل تعاون فعالیت می‌کنند. در نظام تعاون، پول برای عاملین اقتصادی به عنوان بدهی عمل می‌کند. بدهی به منبع عمومی. زیرا مالکیت پول در بخش تعاون عمومی است. در نتیجه در فرایند مبادله در علم اقتصادی عاملین اقتصادی با دو نوع پول مواجه هستند. نوع اول پول ناشی از نظام بازار است به طوری که مالکیت این پول برای عاملین اقتصادی خصوصی است. نوع دوم پول

ناشی از نظام تعاون است به طوری که مالکیت این پول برای عاملین اقتصادی عمومی است و لازم است به صورت عقد قرض الحسنه اجرا گردد. به عبارتی دیگر در علم اقتصاد عاملین اقتصادی در فرایند مبادله با دو نوع پول مواجه هستند: ۱- پولی که مالکیت آن خصوصی است. ۲- پولی که مالکیت آن عمومی است. انحراف و خطای نظام پولی موجود این است که تفکیکی بین پول خصوصی و پول عمومی نشده است. به عبارتی یک منبع عمومی از پول به طوری که مالکیت این منبع متعلق به تمامی عاملین اقتصادی باشد تعریف نشده است. در علم اقتصاد متعارف عرضه، تقاضا و قیمت پول از اهمیت خاصی برخوردار است. به طوری که عرضه پول توسط بانک مرکزی و نیز نهاد بانکی صورت می‌گیرد. قیمت پول هم همان نرخ بهره است. می‌توان بیان نمود که در علم اقتصاد متعارف پنج نهاد زیر در عرضه پول نقش دارند: ۱- بانک مرکزی ۲- دولت ۳- مردم ۴- نهاد بانکی ۵- بخش خارجی. به عبارتی عرضه پول درون زاست. قیمت پول هم همان نرخ بهره است. تقاضای پول توسط عاملین اقتصادی (خانوارها، بنگاه‌ها، دولت و نهاد بانکی) صورت می‌گیرد و برای پول عمومی بازار تعریف شده است. نتیجه این خطا کنز پول است. نماد کنز پول هم دارایی‌های بانک مرکزی است. در نتیجه لازم است تامین مالی پول عمومی از حالت بازار خارج شود و به صورت عقد قرض الحسنه انجام گیرد. زیرا مالکیت پول عمومی، عمومی است. در نتیجه لازم است برای حفظ ارزش پول، بازار پول عمومی را حذف نمود و تامین پول عمومی به صورت عقد قرض الحسنه انجام گیرد. زیرا مالکیت پول عمومی، عمومی است.

## فهرست منابع

۱. اقا نظری حسن: بررسی فقهی - حقوقی شخصیت حقوقی: مجله حقوق اسلامی ۱۳۹۶.
۲. اقا نظری حسن: مالکیت حقوقی نهادهای مالی (شخصیت حقوقی نهادهای مالی): مجله اقتصاد اسلامی ۱۳۹۰.
۳. اقا مهدوی اصغر و حبیبیان و مهدی: بررسی اهلیت شخص حقوقی در فقه و حقوق: دوفصلنامه علمی - تخصصی پژوهشنامه فقهی ۱۳۹۳.
۴. ابوذری نژاد یحیی: منشأ حیات اجتماعی از نظر علامه طباطبایی: مجله ی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان زمستان ۱۳۹۱.
۵. پایا علی و منصوری علیرضا: رابطه فلسفی علوم انسانی و تکنولوژی: مجله روش شناسی علوم انسانی ۱۳۹۸.
۶. پور حسن قاسم: اعتباریات اجتماعی و نتایج معرفتی آن؛ بازخوانی دیدگاه علامه طباطبائی مجله حکمت و فلسفه زمستان ۱۳۹۲.
۷. سبحانی، حسن و قایمی نیا، علی اصغر چیستی پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی(ره)، مجله اقتصاد اسلامی شماره ۶۳-۱۳۹۵.
۸. رضائی علی: نظریه استخدام و خاستگاه ارزشی عدالت از دیدگاه علامه طباطبایی(ره) مجله حکومت اسلامی پاییز ۱۳۹۲.
۹. توتونچیان، ایرج(۱۳۷۹)، «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری»، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء (ع.ه).
۱۰. جوانشیر، ف. م. (۱۳۵۷)؛ اقتصاد سیاسی شیوه تولید سرمایه‌داری؛ انتشارات حزب توده ایران.
۱۱. سوئیزی، پل (۱۳۵۸)؛ نظریه تکامل سرمایه‌داری؛ ترجمه حسن ماسالی؛ انتشارات تکاپو.
۱۲. سبحانی، حسن و قایمی نیا، علی اصغر: چیستی پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی(ره)، مجله اقتصاد اسلامی شماره ۶۳.
۱۳. حسنی شبرگیر: نظریه مارکسیستی ارزش و سه برهان آن: ۱۳۹۶/۰۳/۱۹ • اقتصاد و جامعه <http://problemicaa.com/the-theory-of-surplus-value/>
۱۴. حسینی سید عقیل؛ تحلیل تطبیقی رویکردهای سوپرکتیو و ابژکتیو به مساله ارزش در اقتصاد: مجله اقتصاد تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۱۵. حسینی، سیدعقیل، رنایی، محسن (۱۳۹۰)، نقد و روش سنای اقتصاد فیزیک و کاربرد آن در تحلیل نظام توزیعی سرمایه‌داری، فصلنامه اقتصاد تطبیقی، ۷.



۱۶. حبیب انصاری سامانی علی رضا پورفرج، مسعود زارع، عباس امینی: مقدمه ای بر اقتصاد رفتاری: مفهوم، روش شناسی و شیوه های استخراج ترجیحات: مجله اقتصاد تطبیقی ۱۳۹۴.
۱۷. رضائی علی: معنای «حق» در نگاه اندیشمندان اسلامی: مجله معرفت حقوقی ۱۳۹۰.
۱۸. رحمانی تیمور: اقتصاد کلان: انتشارات برادران سال ۱۳۸۰.
۱۹. نیکی تین، پ (۱۳۸۷): مبانی اقتصاد سیاسی؛ ترجمه ناصر زرافشان؛ انتشارات آگاه.
۲۰. طالبی محمد حسین: دانش فلسفه حق در اندیشه آیتا لله جوادی آملی: حکمت اسرا ۱۳۹۴.
۲۱. معرفی محمدی، عبدالحمید: روش شناسی علم اقتصاد و مسئله رئالیسم: مجله روش شناسی علوم انسانی: تابستان ۹۷ شماره ۱۳۹۵.
۲۲. معرفی محمدی، عبدالحمید: اقتصاد اعتباریات و مسئله اخلاق: مجله معرفت اقتصاد اسلامی بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۲۳. معرفی محمدی، عبدالحمید و حسینی سید عقیل: مسئله عینیت در اقتصاد اسلامی: مجله مطالعات اقتصاد اسلامی: بهار و تابستان ۹۸.
۲۴. هادوی نیا، علی اصغر: مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن: مجله اقتصاد اسلامی: شماره ۳-۱۳۸۲.
۲۵. هندرسون و کوانت (ترجمه دکتر جمشید پژوهان): اقتصاد خرد پیشرفته: ۱۳۹۱.
۲۶. محمدی، علیرضا: فیزیک اقتصاد و کاربرد آن در حل مسایل اقتصادی و رهیافت توسعه آن: اولین کنفرانس بین المللی در کسب و کار.
۲۷. یوسف زاده حسن: نظم اجتماعی در اسلام: مجله معرفت ۱۳۸۵ شماره ۱۰۳.
28. Anglin, P. M. (2005). 'Econophysics of Wealth Distribution', *Econophysics of Wealth*
29. Distributions, Chatterjee, A. et al. (ed), Springer.
30. Aruka, Yuji and Jurgen Mimkes (2005). 'Carnot Process of Wealth Distribution', *Econophysics of Wealth Distributions*, Chatterjee, A. et al. (ed.), Springer.
31. Beinhocker, Eric D. (2006). *The Origin of Wealth: Evolution, Complexity, and the Radical Remaking of Economics*, Massachusetts: Harvard Business School Press.
32. Ben-Naim, arieh (2007). *Entropy Demystified: The Second Law Reduced to Plain Common Sense*, London: World Scientific.
33. Bennewitz, J. (2007). 'Application of the Main Laws of Thermodynamics on Economy', *Social Science Research Network*.
34. Steedman, Ian (1977), *Marx after Sraffa*, London: New Left Books.